

دیوان دادرسی بین المللی

مربوط بکار دیوان دائمی داوری

تأسیس دیوان دائمی دادرسی بین المللی بعد از جنگ اول جهانی موجب شد باین مسئله توجه شود که آیا باز هم جا دارد که دیوان دائمی داوری را در جنب این دادگاه جدید التأسیس حفظ کرد ؟

باین مسئله پاسخ مثبتی تعلق گرفت پس از آن دیوان داوری بدفعات متعدد خدمات جالبی انجام داد اما بالخصوص بعد از جنگ دوم جهانی تعداد دعاوی که نزد این دیوان گردیده بنحو قابل ملاحظه ای کاهش یافته است !

شورای اداری با تحقق وضع فعلی طی جلسه ۲ دسامبر ۱۹۵۹ تصمیمی که بشرح زیر فرموله شده است اتخاذ نمود :

« ۱ - شورا چنین معتقد است که امضا کنندگان معظم قرار داد مربوط بمقررات حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی منعقد در ۱۸۹۹ یا ۱۹۰۷ عندالاقضا و در حدود خیلی وسیعتر از گذشته بخدمات این دیوان توسل جویند. اعضای شورا متعهدند که این نظریه را بدولت متبوعه خود گزارش دهند.

۲ - شورا بدفتر مأموریت میدهد که با نظر رئیس شورا راجع باین مسئله که بچه نحو دیوان دائمی داوری خواهد توانست در حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی نقش مؤثرتری بازی کند مطالعه نماید »

مطالعات بعدی از این نظر سرچشمه میگیرد که دو دیوان بهیچوجه نبایستی بمنزله دو مؤسسه رقیب محسوب شوند.

مسلماً دیوان دائمی داوری نبایستی کوشش کند دعاوی را که دول مایلند نزد دیوان بین المللی دادرسی مطرح کنند از آن دیوان نزد خود جلب کند مزایای بزرگی را که طرح یک دعوی در برابر یک دادگاه دائمی از قبیل دیوان بین المللی دارا میباشد نباید از نظر دور داشت.

این مزایا خصوصاً در امور زیر خلاصه میشوند :

اول - حاکمیتی که رأی صادره از چنین دادگاهی در دنیا از آن متمتع است.
دوم - ارزشی که میبایستی برای توسعه یک رویه قضائی واحد و دائمی قائل شد.
سوم - اطمینان به احتراز از هر گونه مشکلی که ممکن است در لحظه و مورد سازمان یافتن مرجع رسیدگی بدعوا ظاهر گردد.

معدنک روشن شده است که در بسیاری از موارد حکومتها تمایلی ندارند که اختلافات خود را در دیوان بین المللی مطرح سازند.

دیوان دادرسی بین‌المللی

ادله‌ایکه الهام بخش چنین تمایلی میباشند آیا در موردیکه پای دیوان دائمی داوری در میان باشد نیز معتبر خواهند بود؟

بنظر میرسد قلت تعداد دعاوی طرح شده نزد دیوان داوری موجب پاسخ مثبت باین سؤال باشد

مگر اینکه بگوئیم این امر از اینجهت است که اختلافات اساسی موجود بین نحوه کار دو دیوان کاملاً شناخته نشده است بنحویکه دول نمیتوانند مزایائی را که توسل بدیوان داوری در بعضی موارد جایز میباشد، به‌بینند.

از طرفی اینکه دول اغلب اختلافات را به دادگاههای داوری یا کمیسیونهای اصلاحی خارج از دیوان داوری دائمی ارجاع میکنند میتواند از عدم آشنائی کامل بمزایایی که طرح یک دعوا در برابر دیوان داوری دائم جایز است ناشی باشد.

دفتر دیوان داوری دائمی معتقد است کوششی را که شورا در تصمیم خودبوی محول کرده است عبارت است از یک مطالعه بمنظور بررسی امور زیر:

اول از چه نقطه نظرهای اساسی کار دیوان داوری دائمی از دیوان دادگستری بین‌المللی متمایز میباشد.

دوم - آیا ضرورت دارد در آئین دادرسی دیوان داوری تغییراتی داده شود بنحویکه دول با سهولت بیشتری بطرح دعاوی خود نزد این دیوان رغبت نشان دهند.

اول - اختلافات اساسی دادرسی دو دیوان

الف - نفوذ اطراف دعوی در ترکیب دادگاه -

در دعاوی مطروحه نزد دیوان بین‌المللی دادرسی اصحاب دعوی خود را در برابر دادگاهی می‌بینند که قبلاً تشکیل یافته است و باستثنای بعضی دعاوی که از لحاظ اینکه دیوان در بین اعضای خود بقاضی تبعه اول اصحاب دعوی یا یکی از آنها اعتماد ندارد دادرسی اختصاصی تعیین میشود و یا در موارد کاملاً استثنائی رد دادرسی متداعیین در ترکیب دادگاه نمیتواند هیچگونه نفوذی اعمال کنند از این لحاظ یک اختلاف اساسی بین جریان داوری و آئین دادرسی دادگاه بین‌المللی بنظر می‌خورد زیرا در صورت داوری احکام بوسیله قضاتی صادر میشود که طرفین آنها را انتخاب نموده‌اند این روش میتواند این مزیت را حائز شود که اعتماد طرفین بعدالت حکم صادره تقویت گردد. بدون اینکه قائل شویم که نسبت بمصلاحت و بیطرفی قضات دیوان دادرسی بین‌المللی کمترین شکمی موجه میباشد ولی نتیجه می‌گیریم که یک دادگاه محدودتر که در ترکیب آن طرفین دعوا تصمیم و توافق مشترکی اتخاذ کرده‌اند بیشتر میتواند از اعتماد راسخ برخوردار باشد تا یک دادگاه متشکل از ۱۵ نفر که هر یک نماینده یک سیستم قضائی جهان میباشد.

رجحان یک دادگاه محدودتر بخصوص در مورد عادی که جنبه فنی دارد و بیشتر

جلوه میکند.

مسلماً اینگونه دعاوی عندالاقضاء میتواند در یک دادگاه دائمی با اشتراك مساعی

دیوان دادرسی بین‌المللی

کارشناسان فن فیصله یابد اما رویه عملی چه ملی و چه بین‌المللی ثابت کرده است که طرفین در مورد چنین قضایائی ترجیح میدهند که به داوری رجوع نمایند.

ب - خاصیت (بینابینی)

تصمیمات این نظریه کاملاً شایع است که صفت (بینابینی) ارائه حکمیت عنصر اساسی داوری میباشد بر این نظر یک استثناء تذکری وارد میشود. بنا بر قرارداد لاهه حکمیت مبنی احترام حق عملی میگردد ماده ۱۵ قرارداد ۱۸۹۹ با صراحت تمام اعلام میکند (موضوع داوری بین‌المللی عبارت است از حل اختلاف بین دول و توسط قضات منتخب آنها و مبنی بر (رعایت حق) در اینموضوع با سازمان دیوان بین‌المللی دادرسی اختلاف اصولی وجود ندارد.

نهایت آنکه میتوان گفت تصمیم داوری هر چند جنبه بینا بینی آن کم باشد ولی محیطی که داوری در آن در جریان میباشد با چنین جنبه‌ای مساعدتر است تا محیط قضائی دیوان دادرسی.

در مواردیکه طرفین بر قطع تنازع فیما بین بنحوه (حل منصفانه) توافق دارند مسلماً دیوان داوری یک سازمان تخصصی تراز دیوان دادرسی محسوب میشود که این دیوان اخیر بر طبق بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه خود فقط بر حسب تقاضای طرفین نمیتواند تصمیمی از این نوع اتخاذ نماید.

بمورد است که در اینجا عقیده آقای شارل دویشر عضو قبلی دیوان دائمی دادرسی بین‌المللی دادگستری را ذکر نمائیم.

در سخنرانی عمومی که وی در آکادمی حقوق بین‌المللی لاهه در ۱۹۵۴ (مجموعه سخنرانیها - قسمت دوم - صفحه ۵۰۱) داد. این حقوقدان بزرگ پس از تذکر این نکته که تا کنون دیوان در مقابل قطع دعاوی بنحو (حل منصفانه) خودداری عظیمی نشان داده است بنحو زیر ادامه داد:

« میبایستی این خودداری دیوان را توصیف کرد. فیصله امر بطریق منصفانه قاضی را که بچنین امری موظف میشود و امید دارد خود را در وضعیتی جای دهد که از دونقطه نظر با قلمروی که قاضی عادت بانجام وظیفه در آن دارد متفاوت است :

از طرفی غالب اوقات (مثل محاکمه مربوطه به مناطق) مسئله فنی بسیار دقیقی که داشتن اطلاعات خاصی را اقتضا میکند جلوه مینماید.

از طرف دیگر وظیفه سازمان بواسطه نقص موضوع بیشتر تقنینی و حتی اغلب سیاسی است تا قضائی و این خاصیت ذاتی را با ارجاع امر بیک قاضی نمیتوان تغییر داد.

ملخص آنکه (حل منصفانه) با وظیفه حکمیت بیشتر متناسب است تا وظیفه قاضی زیرا داور تا حد زیادی مورد اعتماد طرفین محسوب میشود و اینکه وی انتصاب و تمام اختیارات خود را از توافق آنان بدست میآورد آزادی عمل بیشتری در این خصوص باو میبخشد .

دیوان دادرسی بین‌المللی

در برابر دیوان دادرسی که وظیفه بیان حق را از سبانی اساسی خود استنتاج میکند حکمیت حایز یک مأموریت مهمی است که به لباس خاصی که روابط دول در بعضی مواقع بدوان ملبس میشود مربوط میگردد.

منظور آن چنان واقعی است که در نظر طرفین توجه به روابط سیاسی عمومی بر ملحوظ داشتن مدعی به یک دعوای خاصی میچربد.

فی‌المثل هنگامی که طرفین به ختم منازعات فی‌مابین که در اثر سیر حوادث زاید از حد شده است تمایلی نشان میدهند چنین وضعی وجود خواهد داشت در این لحظه آنها انطباق صرف حق را در درجه دوم اهمیت قرار میدهند.

آنان به امکان یک انتظام نوینی برای منافع خویش مینگردند و ذهن آنان برای سیر بسوی آینده از گذشته جدا میشود در این هنگام اغلب داوریا میانجی دوستانه بیشتر توسل میجویند یا بقاضی.

شاید مفید باشد یا دآوری کنیم طریقه « حل منصفانه » در مواردیکه حل یک اختلاف غیرقضائی در میان است الزامی بنظر میرسد. اساسنامه مربوط بحل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی با اصلاحاتی که در ۲۸ آوریل ۱۹۴۹ در آن بعمل آمد در ماده ۲۱ خود اعلام میدارد که اختلافات غیرقضائی بیک دادگاه دآوری ارجاع شود و اساسنامه اروپائی ۲۹ آوریل ۱۹۵۷ نیز بر همین عقیده مبتنی است ماده ۲۸ حاکی است :

« در صورت فقدان قرار داد دآوری یا سکوت آن دادگاه قواعد ماهوی مذکور در ماده ۳ اساسنامه دیوان دادرسی بین‌المللی را اعمال خواهد نمود هرگاه مقررات مخصوص قابل انطباقی وجود نداشت دادگاه بطریق (حل منصفانه) رای خواهد داد ».

ماده ۲۶ اساسنامه اروپائی چنین میگوید :

« در صورت فقدان قرار داد دآوری و یا سکوت آن دادگاه بادر نظر گرفتن اصول کلی حقوق بین‌المللی و توجه با احترام تعهدات ناشیه از قرارداد و یا تصمیمات قطعی دادگاههای بین‌المللی که طرفین را مأخوذ مینماید بطریق (حل منصفانه اظهار نظر خواهد نمود ».

ج - انتشار قضیه.

محاکمات دیوان دآوری دائمی کمتر جالب تماشاچی است تا محاکمات دیوان دادرسی و این امر میتواند مزایائی دربر داشته باشد.

مثلاً در مواردیکه پای منفعت اساسی در میان بوده و یکطرف با توجه باینکه احتمالاً در خطر محکومیت قرار دارد باعلنی بودن جریان که طبعاً محاکمات دیوان دادرسی داراست همیشه موافقت ندارد.

دیوان دادرسی بین‌المللی

از طرف دیگر اساسنامه دیوان داورى دائمى بطرفین اختیار میدهد که قبلاً شرط نمایند رأی صادره منتشر نشود.
د - هزینه دادرسی.

خواه طرفین دعاوی خود را نزد دیوان داورى دائمى ببرند یا در دیوان دادرسی بین‌المللی مطرح سازند وسایل کار از قبیل محل دفتر مجاناً در اختیار آنان قرار داده شده است و بهمین نحوه در هر دو صورت طرفین باید شخصاً هزینه مأمورین و وکلای مدافع خود را بعهده بگیرند.

معهداً تأسیس یک دیوان بین‌المللی دادرسی بوسیله سازمان ملل این نتیجه را دارد که حقوق قضات بعهده سازمان ملل است اگر قایل شویم هر دادرسی نزد دیوان داورى مطلقاً بخرج ترمیم خواهد شد تا جلوه دیوان دادرسی بین‌المللی زیرا طول جریان محاکمه از این نظر نقش عمده‌ای را بازی میکند این مسئله در قسمت زیر مورد بحث خواهد شد.

ه - مدت و طول جریان دادرسی.

این امر اجتناب ناپذیر است که دادرسی در یک دادگاه مرکب از ۷۵ قاضی علی‌الخصوص نظر بمشکلات راجع بزبان وقت طولانی‌تری لازم دارد تا دادرسی نزد یک دادگاه داورى مرکب از سه یا پنج عضو.

بعلاوه در عمل ثابت شده است که دعاوی مطروحه در دیوان دادرسی متراکم است بنحویکه این دیوان نمیتواند بفاصله کوتاهی پس از تقدیم عرضحال بمحاکمه بپردازد. بطور عموم میتوان گفت که یک محاکمه داورى وقت خیلی کمتری را اشغال خواهد کرد تا یک محاکمه نزد دیوان دادرسی بین‌المللی.

و - محاکمه بین یک دولت و شرکتهای تجارتنی.

محتمل است که اختلاف بین دول و اشخاص بخصوص بین دولت و شرکتهای تجارتنی عمده نزد دیوان داورى دائمى مطرح گردد بدیهی است که دیوان دادرسی بین‌المللی نمیتواند بدعاوی از این نوع رسیدگی کند چه صلاحیت وی باختلافات بین دول منحصر میشود.

برای اینکه این دیوان بتواند باختلاف بین یک دولت و یک شخص خصوصی یا یک شرکت تجارتنی خارجی رسیدگی کند لازم است که دولت متبوعه آن شخص اختلاف را بعهده گرفته بخود منتقل کند و برای طرح در دیوان داورى این راه غیر مستقیم ضروری نیست.

درست است که ماده ۳۷ قرارداد لاهه در مورد حل مسالمت آمیز تنازعات بین‌المللی میگوید که موضوع داورى بین‌المللی عبارت است از عمل دعاوی بین دول. اما ماده ۴۷ بدفتر اجازه میدهد که تشکیلات خود را برای انجام هرگونه دادرسی داورى در اختیار دول امضاءکننده قرارداد بگذارد و این ماده تصریح ندارد که این امر منحصر آ باید حکمیت بین دول باشد.

دیوان دادرسی بین‌المللی

این مسئله در ۱۹۳۵ بمناسبت حکمیت بین دولت چین و (صنف رادیو امریکا) مطرح گردیده در این قضیه پرفسور فان‌هامل سرحکم در ۷ ژوئیه ۱۹۳۴ بدیرکل دیوان داوری دائمی مراجعه و از او خواهش کرد که تشکیلات و خدمات اداری دیوان را در اختیار دادگاه حکمیت قرار دهد.

دیرکل پاسخ داد که دفتر از اینکه محل و تشکیلات خود را در اختیار این دادگاه قرار دهد خیلی خوشوقت است دیرکل معهدا چنین مناسب دید که جریان را باطلاع شورای اداری دیوان داوری نیز برساند.

شورا نسبت به اینکه ماده ۴۷ درمورد حکمیت بین دول و شرکتهای خصوصی نیز اعمال گردد نظر موافق خود را اعلام کرد بدینطریق در ۱۹۳۹ دیرکل دیوان برحسب تقاضای اتحادیه حکمیت امریکا (American Arbitration Association) بان اتحادیه رسماً اجازه داده اعلام نماید که دفتر دیوان داوری دائمی آماده است تا محل و تشکیلات خود را بمنظور حل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی در اختیار دول امضاء کننده قرارداد بگذارد حتی در صورتیکه طرف اختلاف یک دولت نباشد.

اتحادیه اعضای خود را از این تصمیم آگاه کرده و بانان توصیه نمود که در قراردادهای منعقد با دول بیگانه این شرط حکمیت را بگنجانند.

ز - امکان حل منازعات بوسیله سازش.

در ۱۹۳۷ رئیس یک کمیسیون سازش به دیرکل دیوان داوری دائمی تقاضائی تسلیم نمود مبنی بر اینکه بمنظور انجام وظیفه این کمیسیون امکان و دفتر دیوان در اختیار وی گذارده شود.

نظر باینکه قرارداد ۱۹۰۷ جز درمورد کمیسیونهای بین‌المللی تحقیق و یا سازمان خاص داوری بدفتر اجازه نمیدهد که امکان و تشکیلات خود را در اختیار دول عضو قرارداد بگذارد دیرکل از رئیس شورای اداری تقاضا کرد تا تعلیمات لازمه را در اینمورد آموزش دهد.

رئیس شورا این تقاضا را بدول عضو قرارداد احاله داده و از آنها تقاضا نمود تا تأیید نمایند که دفتر بین‌المللی بعد از این مجاز باشد امکان و سازمان خود را در اختیار کمیسیونهای سازشی که چنین تقاضائی را از وی مینمایند قرار دهد.

در یک بخشنامه مورخ ۲ مه ۱۹۳۷ رئیس شورا اعلام داشته است که این پیشنهاد وی باتفاق آراء قبول شده است.

اولین کمیسیون سازش کار خود را در ۱۲ نوامبر ۱۹۳۷ شروع کرد اخیراً نیز سه مورد سازش در کادر دیوان بررسی گردید.

موضوع رسیدگی عبارت بود از دو اختلاف بین فرانسه و سوئیس یکی مربوط بپرداخت هزینه یک دیویزن لهستانی که در زمان جنگ دوم جهانی از طرف دولت فرانسه در خاک سوئیس زندانی شده بودند. دیگری راجع به تخلفاتی که بعقیده دولت سوئیس از طرف مأمورین گمرک فرانسه بضرر آندولت ارتکاب یافته بود.

در ۱۹۲۵ دولتین فرانسه و سویس قراردادی راجع به حل مسالمت‌آمیز اختلافات حاصله بین خود منعقد نموده بودند که بموجب آن دعاوی حاصله میبایستی قبل از اینکه از راه قضائی و یا داوری حل شود به یک کمیسیون دائمی سازش ارجاع گردد.

در ۲۴ اکتبر ۱۹۵۵ کمیسیون گزارش خود را که باتفاق آراء تصویب شده بود بدولتین تسلیم داشت و طرفین بر مبنای پیشنهادات توافق کردند بنحویکه در اثر مداخله کمیسیون اختلافات بکلی حل شد.

در ۱۹۵۶ تحت حمایت دیوان داوری دائمی کمیسیون سازش دیگری یعنی کمیسیون دائمی سازش بین یونان و ایتالیا منعقد گردید.

موضوع عبارت بود از تخریب کشتی یونانی رولا توسط یک زیر دریائی ایتالیا در روز ۳ اوت ۱۹۴۰ (یونان هنوز در آن تاریخ بیطرف بود).

دولت یونان جبران زیانهای وارده از این تخریب را خواستار بود. کمیسیون در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ پیشنهادات خود را بدو طرف تسلیم نمود در ماه اکتبر ۱۹۵۶ دو دولت بر رئیس کمیسیون اطلاع دادند که طرح حاصله از کمیسیون را قبول داشته و بر مبنای این طرح توافق کرده اند.

وقتی باین مطلب توجه شود که دول عموماً بارجاع دعاوی خود بدآوری علاقه کمی نشان می‌دهند نمیتوان انکار کرد که مذاکرات سازشی میتواند از زمره وصایائی باشد که به یافتن راه حل مرضی‌الطرفین کمک مینماید.

نتایج حاصله از این سه پرونده که اخیراً در کاخ صلح حل گردیده مسلماً نوید بخش است.

در اینموضوع میتوان آنچه را هانس روهبرگ استاد حقوق بین‌الملل مؤسسه دانشگاهی تحصیلات عالی حقوق بین‌الملل ژنو و دبیر کل مؤسسه حقوق بین‌الملل (توجه کرده است ذکر نمود .

وی درمبحثی راجع بکمیسیون‌های سازش درمورد مزایای تشکیل کمیسیونهای سازش در کاخ صلح و درقبال دادگاههای حکمیت (اوت ۱۹۵۸ - صفحه ۵۸۷) میگوید:

« یک دبیرخانه کاملاً مجهز از نقطه نظر فنی حائز اهمیت فراوانی است. فقط سه کمیسیون سازش که تا کنون تشکیل شده است (کمیسیون دانمارک لیتوانی - فرانسه سویس یونان - ایتالیا) از این امکان که می‌توانند از دفتر بین‌المللی دیوان داوری دائمی لاهه تقاضا کنند و سازمان خود را در اختیار آنان قرار دهد استفاده کرده‌اند.

باید امیدوار بود که در آتیه این اجتماعات در کاخ صلح متعدد تر خواهد بود. یک مرکز دائمی برای دبیرخانه کمیسیونهای سازش جز سود چیز دیگری دربر نخواهد داشت بعلاوه محیط لاهه نیز بنحو قابل تحسینی برای کار کمیسیونهای سازش آماده میگردد)

دوم تغییراتی که احیانا میتوان در آئین دادرسی حکمیت داد :

الف - صورت اعضاء

برطبق ماده ۲۳ قرارداد ۱۸۹۹ (ماده ۴۴ سال ۱۹۰۷) دادگاه داورى از قضاة مذکور در اعضاء دیوان بتعداد چهار نفر برای هر مملکت تشکیل خواهد شد. در اینجا این سؤال پیش میآید که آیا بهتر نیست طرفین دعوا در انتخاب داورها کاملا آزاد گذارده شوند؟

بعقیده دفتر باید پاسخ منفی باین پرسش داده شود. سازمانهای دیگری نیز این سیستم را اعمال میکنند راجع بدیوان داورى دائمی این لیست یک عنصر مهم آن است.

این عده حقوق دان مشهور که در کشورهای مختلف شهرت بین‌المللی دارند رکن اساسی کلیه سازمان میباشند در هنگام تدوین اساسنامه دیوان دائمی دادرسی و اینکه میبایستی یک سازمان را مأمور کرد تا برای جستجوی کاندیدهای قضاوت در آن دیوان کشورهای مختلف جستجو کند اهمیت این لیست شناخته شد. در این هنگام اعضاء هیئت‌های دیوان داور اصلح افرادی که حایز شرایط لازمه برای این امر باشند بنظر رسیدند.

بمنظور احتراز از جمود در طرز انتخاب داوران بخصوص در موارد داوریهایی خاصی که حضور کارشناسان که نام آنان در لیست ذکر نشده است مناسب بنظر میرسد ماده ۲۶ قرارداد ۱۸۹۹ (ماده ۴۷ قرارداد ۱۹۰۷) میتواند اعمال گردد.

این (داوریهایی خاص) مذکور در این مورد که تعداد زیادی از آن ضمن گزارش تقدیمی به شورای اداری توصیف شده است با داوریهائی که دادگاه مربوطه بدانها طبق ماده ۲۳ تشکیل یافته است از لحاظ ماهیت اختلافی نداشته و با این اصل کلی که بمنظور سازمان یک دادگاه داورى افراد عضو دیوان در درجه اول اهمیت قرار دارند مناقاتی ندارد.

ب - مخارج دیوان

انجام وظیفه دیوان بنحویکه امروزه مورد قبول است مخارجی را که دول شرکت کننده باید بعهده بگیرند بحد اقل تنزل داده است کاملا بدیهی است که این مخارج بطور وضوح از میزان هزینه سازمانی مانند دیوان دادرسی بین‌المللی کمتر است. بودجه این دیوان که توسط سازمان ملل تأمین میشود ۷۱۰ هزار لیره استرلینگ است حال آنکه بودجه دیوان داورى ۲۷۹۷۴ لیره میباشد.

این مبلغ برحسب نسبت مرقوم در اتحادیه پستی جهانی بین دول شرکت کننده تقسیم میشود کشورهای دسته اول هر یک ۲۵ سهم می‌پردازند که هر سهم معادل با ۴۴ لیره استرلینگ است کشورهای دسته هفتم فقط یک سهم می‌پردازند. ازدیاد عدد اعضاء باز هم مبلغ این سهام را تقلیل خواهد داد.

ج - زبان - دولیکه دعوائی را بیک دادگاه ارجاع میکنند ضمن مقاوله نامه زبان مورد استعمال را نیز تعیین مینمایند (ماده ۵۲ قرارداد ۱۹۰۷) زبانیرا که دفتر برای مکاتبات

دیوان دادرسی بین المللی

اوراق رسمی و شورای در جلسات خویش بکار میبرند فرانسه است معهدا در موردی که استعمال فرانسه به مشکلاتی برخورد کند نسبت بانها که استعمال زبان دیگری را ترجیح میدهند تسهیلاتی مقرر شده است (مراجعه شود به صورت مجلس جلسه شورای اداری ۲۶ نوامبر ۱۹۵۸) که بموجب آن ممکن است زبانهای دیگری را نیز هم طراز فرانسه قرار داد اما این امر منجر به ازدیاد هزینه های عمومی میشود.

د- بموجب ماده ۵۲ قرارداد ۱۹۰۷ یک دادگاه داوری میتواند در خارج کاخ صلح منعقد شود.

ولی کاملاً بدیهی است که دادگاهها از تسهیلات پیش بینی شده در مورد محل و کمکهای دفتری نمیتوانند بطور واقعی بهره برند مگر اینکه در کاخ صلح منعقد بشوند. ه- طرز تشکیل دادگاههای داوری.

در ماده ۲۴ قرارداد ۱۸۹۹ و ماده ۴۵ قرارداد ۱۹۰۷ طرز تشکیل دادگاههای داوری بیان شده است گاهی بر حکمیت این امر را ایراد میگیرند که این سیستم همیشه نمیتواند توافق طرفین را در سازمان دادن دادگاه تضمین نماید.

مطالبی از این قبیل کمیسیون حقوق بین الملل (سازمان ملل) را واداشت که در جلسه ۱۹۵۸ خود مقرراتی تهیه نماید که در هر موقعی بتوان اعضای دادگاه را تعیین نمود بدین نحو که در صورت عدم توافق طرفین رئیس دیوان دادرسی بین المللی اقدام به تعیین نماید.

این مقررات در همه جا با حسن قبول تلقی نشده است. بنظر بعضی این روش به یک جنبه اساسی حکمیت یعنی تعیین داورها بتوسط خود طرفین لطمه وارد میسازد دفتر بدون اظهار نظر در این موضوع و با توجه بایرادات وارده ترجیح میدهد که طرز فعلی تغییر نیابد.

آنها که طرفدار رویه مذکور در فوق هستند میتوانند در قرارداد داوری که با طرف خود منعقد مینمایند این شرط را بگنجانند و جایز نیست که باجرای چنین روشی در مورد کلیه دعاوی مطروحه جنبه الزام داده شود.

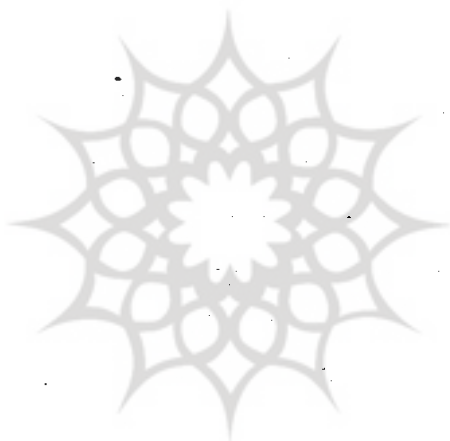
بمنظور اخذ نتیجه دفتر اعلام میدارد که ضروری نیست در آئین دادرسی فعلی دیوان تغییراتی داده شود. اما فعالیتهای دیوان میتواند بنحو مفیدی حفظ و احیاناً توسعه یابد بطرق زیر:

۱- بر طبق توصیه شورای اداری طی جلسه دسامبر ۱۹۵۹ در ازدیاد غده دول شرکت کننده کوشش شود.

۲- با تذکر اختلافات بین کار دیوان دادرسی و دیوان داوری بنحوی که در این یادداشت تشریح شده است توجه دول شرکت کننده بوجود و فعالیتهای دیوان جلب شود و بر شورای اداری است مؤثر ترین طریقه را برای وصول باین هدف تنظیم نماید.

دیوان دادرسی بین المللی

دفتر از این نظر نکاتی را بشرح زیر بنظر دول شرکت کننده میرساند
اول - ارسال این یادداشت برای تمام دول شرکت کننده در قرارداد
دوم - انجام اقدامات دیپلماسی از طرف دولت هلند (دولت نگهدارنده
قراردادهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ نزد سایر حکومتهای .
سوم - انتشار این یادداشت بخصوص در مجلات مربوطه بمسائل
حقوق بین الملل عمومی .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

